

# ایجاد نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی

در راستای تحقق اهداف مندرج در اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

## ● آیت کریمی

ارمغان آورد. در بحث تأمین اجتماعی و در راستای تحقق توسعه اقتصادی و بسط عدالت اجتماعی باید جامع‌نگر بود و با توجه به اهداف و واقعیت‌ها، گرایش‌ها و امکانات، موضوع را بررسی کرد.

در بررسی تأمین اجتماعی باید ساختار جمعیت تحت پوشش، نقش دولت و سایر نهادهای غیردولتی مورد بررسی کارشناسی قرار گیرند. تأمین اجتماعی به منزله حمایتی است که جامعه در صورت بروز ناملایمات اجتماعی و اقتصادی که منجر به قطع یا کاهش درآمد افراد در اثر بیکاری، بیماری، از کارافتادگی، سالمندی و فوت می‌گردد و همچنین افزایش هزینه‌های درمان و سرپرستی خانواده به اعضای خود ارایه می‌دهد. براساس تعریف فوق نظام تأمین اجتماعی به عنوان مهم‌ترین ابزار برقراری عدالت اجتماعی است. به زبان

اجتماعی و اقتصادی در حال و آینده تدوین شده و به مرحله اجرا در می‌آید. تأمین اجتماعی از سایر جنبه‌های اساسی رشد و توسعه جدا نمی‌باشد و به همین دلیل پدیده‌ای است که با رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی، کرامت انسانی و سرفرازی ملی پیوستگی کامل دارد.

امروز، در جهان، دولت‌ها و صاحب‌نظران به این نتیجه رسیده‌اند که توسعه پایدار سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هر کشور با سطح و کیفیت رفاه و تأمین اجتماعی در آن کشور رابطه‌ای مستقیم دارد. از آنجا که منابع نیروی انسانی هر جامعه عامل اصلی تولید، رشد و توسعه‌اند، تأمین امکانات زندگی و رفاه آنها نظیر بهداشت و درمان، بازنشستگی، از کارافتادگی و رفع نگرانی و تشویش خاطر آنها ضروری است زیرا در این صورت نیروی انسانی می‌تواند با فراغت بال و آسودگی خاطر به کار و فعالیت پرداخته و توسعه پایدار را برای کشورش به

نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی همچنانکه از نام آن پیداست دو موضوع را در بر می‌گیرد: رفاه اجتماعی و تأمین اجتماعی رفاه اجتماعی موضوعی است که بررسی و مطالعه آن توجه دولت‌ها و علمای اقتصاد را از زمان‌های قدیم به خود معطوف داشته است. رفاه اجتماعی به کلیه تدابیر و راه‌حلهایی اطلاق می‌شود که با به‌کارگیری آن وسایل زندگی، بهداشت، خوراک، پوشاک، مسکن، کار، فرهنگ و وسایل تفریح برای کلیه اقشار جامعه فراهم شود. ایجاد سیستم جامع تأمین اجتماعی یکی از راهکارهای علمی برای تحقق بخشیدن به این هدف می‌باشد.

تأمین اجتماعی بطور اعم مبارزه با خطرهایی است که زندگی افراد را مختل می‌نماید و دربردارنده مجموعه‌ای از اصول، نهادها، ساختارها، سازو کارهای شناخته شده و بالاخره روابط میان این عناصر و عواملی است که با هدف تأمین و گسترش امنیت



دیگر تحقق عدالت اجتماعی، بدون تأمین اجتماعی جامع امکان‌پذیر نخواهد بود. هم اکنون در بیش از یکصدو هفتاد کشور جهان برنامه‌های تأمین اجتماعی در سطح گسترده‌ای به صورت پوشش بیمه‌ای برای بازنشستگی، حوادث ناشی از کار و مستمری بازنماندگان ارائه می‌شود. در تعدادی از این کشورها- حدوداً پنجاه درصد جمعیت دارای پوشش خدمات درمانی هستند و در تعدادی دیگر علاوه بر تأمین‌های فوق پرداخت‌هایی هم به خانواده‌های نیازمند صورت می‌گیرد. در یک نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مجموعه‌ای از راهبردها، برنامه‌ها و فعالیت‌های جامع برای حفظ سطح درآمد آحاد جامعه یا خانواده‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد و علاوه بر آن، خدماتی نظیر درمان نیز ارائه می‌شود. به بیان دیگر این نظام از یک طرف فرد و خانواده را در برابر عواقب اقتصادی و اجتماعی ناشی از قطع یا کاهش درآمد ناشی از پیری، بیکاری، بازنشستگی، بیماری و فوت و ... حمایت می‌کند و از طرف دیگر تلاش می‌کند با فراهم آوردن خدماتی نظیر درمان یا ارائه کمک هزینه مسکن و ازدواج، سطح رفاه خانواده را بالا ببرد.

نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی متداول در کشورهای مختلف جهان را می‌توان براساس راهبردهای اصلی به سه گروه راهبردهای بیمه‌ای، حمایتی و امدادی به شرح زیر تقسیم کرد:

۱ - **راهبرد بیمه‌ای:** این راهبرد مبتنی بر

اشتغال افراد براساس دریافت سهمی از دستمزد شاغلین، کارفرمایان و در اغلب موارد، سهم مشارکتی دولت است. این راهبرد، پرداخت‌های مربوط به حقوق مستمری، از کارافتادگی، مستمری دوران بیکاری و مستمری بازنماندگان و پرداخت هزینه بیماری و زایمان را در بر می‌گیرد.

۲ - **راهبرد حمایتی:** این راهبرد همان‌گونه که از نام آن پیداست، دارای مفهوم هدایت حمایتی است که شامل مساعدت‌ها و خدمات اجتماعی می‌باشد و اقشار آسیب‌پذیر جامعه را در برخی از ناتوانی‌های خود از جمله ناتوانی در کسب درآمد، معلولیت، از کارافتادگی جسمی و ذهنی، کودکان بی‌سرپرست، خانواده زندانان و نظایر آنها مورد حمایت قرار می‌دهد.

۳ - **راهبرد امدادی:** این راهبرد وظیفه امداد رسانی در موارد اضطراری، در زمان وقوع حوادث غیرمترقبه نظیر سیل، زلزله، طوفان و حوادث غیرطبیعی نظیر جنگ و پیدایش اقشار آسیب دیده از آن را بر عهده دارد. منابع مالی راهبردهای حمایتی و امدادی از طرف دولت، کمک‌های داوطلبانه و انسان دوستانه و نهادهای مذهبی و اجتماعی تأمین می‌شود.

در جوامع پیشرفته هر قدر بر میزان رشد اقتصادی و تشکلهای کارگری و کارفرمایی و پیشرفت اجتماعی و قدرت گرفتن نهادهای مدنی افزوده شود، از کاربرد راهبرد حمایتی

کاسته می‌شود و به نقش راهبرد بیمه‌ای افزوده می‌گردد. در کشورهای در حال توسعه و فقیر به دلیل فقر و محرومیت و بیکاری فراگیر که ناشی از توسعه نیافتگی اقتصادی و شکل نگرفتن نهادهای حرفه‌ای و مدنی است، بخش‌های وسیعی از جامعه، آسیب‌پذیر، ناتوان و در فقر باقی می‌مانند، لذا در این جوامع دولت اجباراً به راهبردهای حمایتی به صورت یک ضرورت و الزام مبادرت می‌ورزد.

با عنایت به مطالب فوق، توجه به تأمین اجتماعی در کشورهای در حال توسعه، از وظایف اصلی دولت‌ها در مقوله رشد و توسعه است. هر چند این امر از لحاظ مالی بار سنگینی را به دولت تحمیل می‌کند، ولی باید به خاطر تحقق پیشرفت و دسترسی به آرامش و تکامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی این هزینه‌ها را به عنوان الزام‌ها و نیازهای توسعه اقتصادی و اجتماعی تأمین نماید. در حقیقت تأمین بودجه برای هزینه‌های تأمین اجتماعی از جمله هزینه‌های سوخت شده نیست که به هدر برود، بلکه باید این هزینه‌ها را به عنوان سرمایه‌گذاری در مقوله نیروی انسانی تلقی نمود که آثار و نتایج آن مستقیماً عاید کشور شده و موجب رفاه عمومی و امنیت اجتماعی در موارد زیر می‌گردد:

- ایجاد آرامش خاطر در فرد، خانواده و جامعه
- تأمین سطح زندگی مناسب برای آرامش خاطر نیروی انسانی مولد
- ایجاد تفاهم متقابل بین کارگر و کارفرما در امر تولید



- افزایش بهره‌وری و کاهش ضایعات از طریق ایجاد علاقه و دلبستگی به کار و تولید  
- ایجاد زمینه مناسب برای تحقق رشد و توسعه پایدار  
- ایجاد امنیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی  
نظام تأمین اجتماعی یکی از محوری‌ترین ابزارها بوده و پیش‌نیاز برنامه توسعه در کشورهای مختلف به‌شمار می‌رود. بدون داشتن یک نظام تأمین اجتماعی جامع و فراگیر نمی‌توان توسعه اقتصادی پایدار را به دست آورد.

از نظر اقتصادی، تأمین امنیت برای انسان با پیشگیری از بروز خطراتی که هر لحظه در کمین او و خانواده‌اش قرار داشته و حیات آنها را تهدید می‌کند و همچنین ترس از آینده و رفع تشویش و نگرانی‌ها به مراتب ساده‌تر و ارزان‌تر از زمانی است که خطرها تحقق پیدا می‌کنند. بنابراین وجود یک نظام تأمین اجتماعی برای جوامع در حال توسعه، ضروری است و مسؤولان امر باید توجه ویژه‌ای به آن داشته باشند.  
تداوم حیات هر جامعه مستلزم نگرش اجتماعی و مسؤولانه به ضرورت برقراری

امنیت، ایجاد آرامش و امید به آینده و تأمین معاش کافی برای همه افراد جامعه است، تأمین اجتماعی بخش وسیعی از جامعه را در بر گرفته و ابزار مهمی در جهت تحقق عدالت اجتماعی محسوب می‌شود. بنابراین دولت باید با توجه به اهمیت و جایگاه تأمین اجتماعی، سالانه بودجه کافی را به این امر اختصاص دهد. نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی شامل طرح‌های وسیعی از خدمات بیمه‌ای، حمایتی و امدادی می‌باشد. لذا سیاست‌گذاری در این امر نیاز به شناخت و بررسی کارشناسانه در سطح کل جامعه دارد. خدماتی که در هر سه بخش تأمین اجتماعی ارائه می‌شوند آنچنان به هم وابسته هستند که آثار مالی و عواقب اجتماعی هر یک بر دیگری تأثیر می‌گذارد. جهت‌گیری تأمین اجتماعی باید به سمت پوشش همگانی و فراگیر باشد. تحقق این امر مستلزم ایجاد، تقویت و گسترش زمینه‌های فرهنگی است، به نحوی که آحاد جامعه به اهمیت و ارزش پوشش‌های تأمین اجتماعی در برقراری عدالت اجتماعی و پایداری حیات اقتصادی و اجتماعی آگاهی پیدا کنند.

### تأمین اجتماعی در ایران

اصل بیست و نهم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های



پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی.»

همچنین بند چهارم اصل بیست و یکم مقرر می‌دارد: «ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست» و بالاخره بند یکم اصل چهل و سوم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.»

فعالیت‌های تأمین اجتماعی، در ایران در سه شاخه اصلی متمرکز است:

**راهبرد بیمه‌ای:** در مؤسساتی نظیر سازمان تأمین اجتماعی، صندوق‌های بازنشستگی کشوری و لشگری و سازمان بیمه خدمات درمانی.

**راهبرد حمایتی:** در مؤسساتی نظیر سازمان بهزیستی، کمیته امداد امام خمینی(ره)، بنیاد شهید و بنیاد جانبازان.

**راهبرد امدادی:** در مؤسساتی نظیر جمعیت هلال احمر. کمک‌های یارانه‌ای دولت به هر یک از صندوق‌ها و سازمان‌ها و نیز عملکرد سایر مؤسسات خیریه عام‌المنفعه نظیر اوقاف و صندوق‌های قرض‌الحسنه و نیز فعالیت‌های جنبی دیگری که موازی با سه ساختار فوق انجام می‌شود.

اگرچه هر یک از این مؤسسات و نهادها کمک‌ها و خدمات ارزنده و قابل توجهی دارند ولی از نقطه نظر وجود یک نظام جامع رفاه و

تأمین اجتماعی دارای عملکردهای متفاوت، ناهماهنگ و بعضاً غیرمکفی هستند. به همین جهت با این‌که مبالغ عظیمی در کشور صرف امر تأمین اجتماعی می‌شود، به دلیل فقدان یک ساختار مناسب و جامع و نبود مدیریت منابع مؤثر و عدم هماهنگی کارآمد، توجه جدی و اساسی و همه جانبه به تأمین اجتماعی ضروری است. طراحی یک نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی فراگیر که بتواند مجموعه‌های پراکنده موجود را که در قلمرو تأمین اجتماعی مشغول ارائه خدمات هستند، سامان داده و آنها را از ساختار و کارکرد توسعه‌ای برخوردار سازد. به عنوان ضرورتی ملی مطرح است. چشم‌انداز جمعیتی و اقتصادی ایران در دو دهه آینده با توجه به محدودیت‌های منابع دولتی بر اهمیت و ضرورت تقویت و تعمیم برنامه‌های بیمه‌ای تأکید دارد.

عدم توجه لازم به برنامه‌های بیمه‌ای، به سبب گسترش نیاز به خدمات حمایتی بارمالی سنگینی برای دولت خواهد داشت. معمولاً نسبت هزینه‌های اجتماعی به تولید ناخالص داخلی با سرانه تولید، رابطه مستقیم دارد. نگرش راهبردی به نظام تأمین اجتماعی باید با توجه به اهداف زیر باشد:

- ۱- تأمین اجتماعی به عنوان پیش شرط توسعه
  - ۲- تأمین اجتماعی به عنوان یکی از متغیرهای مدل توسعه
  - ۳- تأمین اجتماعی به عنوان هدف اساسی برنامه توسعه
- ساختار تأمین اجتماعی باید به نحوی

طراحی شود که ویژگی‌های زیر را دارا باشد:

- جامعیت (یعنی بتواند پوشش‌های بازنشستگی، ازکارافتادگی، بهداشت و درمان، توانبخشی و ارایه حداقل معیشت و نیازهای گروه‌های هدف را برآورده سازد).

- کفایت
- فراگیری
- تصدی، هدایت و تکلیف دولتی
- مشارکت مردم
- بیمه‌ای
- غیربیمه‌ای
- تأمین منابع توسط دولت و مردم
- جدابودن حوزه‌های بیمه‌ای با غیر بیمه‌ای
- ضرورت ایجاد هماهنگی و انسجام امور بیمه‌ای با یکدیگر
- ضرورت ایجاد هماهنگی و انسجام امور حمایتی با یکدیگر
- ضرورت ایجاد هماهنگی و انسجام امور امدادی با یکدیگر
- ضرورت ایجاد هماهنگی بین قلمروهای بیمه‌ای و غیربیمه‌ای و شکل دادن یک نظام ارگانیک و هماهنگ

### مبانی رفاه اجتماعی

دستیابی به یک دیدگاه جامع در زمینه نظام رفاه اجتماعی بدون ارایه رویکرد روشن و مشخصی پیرامون رفاه اجتماعی میسر نیست. در این راستا مهم‌ترین اصول رویکردی به رفاه اجتماعی را گویه‌های زیر تشکیل می‌دهند:

- رفاه اجتماعی، آرمان و پیامد توسعه

## تأمین اجتماعی در برنامه سوم توسعه

فصل پنجم از قانون برنامه سوم به «نظام تأمین اجتماعی و یارانه‌ها اختصاص دارد (مواد سی‌وشش تا چهل‌وهفت). ماده سی‌وشش قانون برنامه سوم در این رابطه مقرر می‌دارد: «در اجرای اصل بیست‌ونهم قانون اساسی و به منظور توسعه عدالت اجتماعی، نظام تأمین اجتماعی با هدف حمایت از اقشار مختلف جامعه در برابر رویدادهای اقتصادی، اجتماعی و طبیعی و پیامدهای آن از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح و ناتوانی‌های جسمی، ذهنی، روانی و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه‌ای و غیر آن (حمایتی و امدادی) حقی است همگانی و دولت مکلف است، طبق قانون، از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یکایک افراد کشور تأمین کند.

ماده ۳۷ مقرر می‌دارد: فعالیت‌های بیمه‌ای در دو بخش همگانی و مکمل انجام می‌شود و تعهدات و خدمات هر بخش براساس ضوابط ذیل تعیین می‌شود:

الف - خدمات بیمه همگانی که با مشارکت بیمه شده، کارفرما (در صورت وجود کارفرما) و دولت (حسب تکالیف قانونی آن) تأمین می‌گردد، شامل بیمه درمان

کودکان و جوانان است

- برنامه‌های رفاه اجتماعی باید با مشارکت شهروندان و خدمت‌گیرندگان طراحی، ارایه و ارزیابی شود

- دولت در برنامه‌های رفاه اجتماعی باید مشارکت خدمت‌گیرندگان و بخش‌های غیردولتی ارایه‌دهنده خدمات رفاهی را لحاظ نماید لذا خدمات رفاهی باید عمدتاً توسط بخش‌های داوطلب، غیررسمی و خصوصی ارایه شود

- ارایه خدمات متمرکز و دولتی در زمینه‌هایی که امکان مشارکت بخش‌های غیر دولتی میسر نباشد، الزامی است

- دولت در نظام رفاه اجتماعی باید نقش نظارت، هدایت و ساماندهی فعالیت‌های رفاه را به‌عهده داشته باشد

- کاهش دخالت دولت در زمینه رفاه اجتماعی و سپردن آن به بخش غیردولتی در صورت افزایش رشد اقتصادی در حد مطلوب امکان‌پذیر است

- خدمات رفاه اجتماعی باید در چارچوب کاملاً رقابتی ارایه شود

- در برنامه‌های رفاه اجتماعی بازتوانی بر حمایت اولویت دارد

دولت علاوه بر حمایت از آموزش، کاهش بیکاری، حمایت از مصرف‌کننده، وظیفه نظارت بر قیمت‌ها، ساماندهی نظام یارانه‌ای، عدالت مالیاتی، تأمین حقوق قانونی شهروندان، پرداخت یارانه غذا، اصلاح الگوی مصرف، تأمین مسکن، انرژی، بهداشت، ارتباطات و امنیت را نیز بر عهده دارد.

جامعه است

- رفاه اجتماعی باید حتی‌الامکان بیشترین نیازهای فردی و اجتماعی شهروندان را مدنظر قرار دهد

- رفاه اجتماعی ضامن حفظ ارزش‌های انسانی شهروندان است

- رفاه اجتماعی علاوه بر کارکردهای آسیب‌شناختی موجب ارتقای کل جامعه می‌شود (لذا پیشگیرانه است)

- رفاه اجتماعی نیازهای اولیه و حداقل معیشت را برای شهروندان تأمین می‌کند

- به حداکثر رساندن فرصت‌های اجتماعی آحاد شهروندان از وظایف نظام رفاه اجتماعی است

- رفاه اجتماعی همچنین وظیفه تأمین و ارتقای امنیت انسانی شامل امنیت فردی، سیاسی، غذایی، زیست محیطی، اقتصادی، بهداشتی و ارتباطی را نیز به عهده دارد

- رفاه اجتماعی از جمله امور سیاست‌گذاری است و فعالیت‌های مرتبط با آن باید در چارچوب این سیاست‌ها انجام شود

- رفاه اجتماعی تنها به حمایت‌های اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه به ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حقوقی نیز توجه دارد

- رفاه اجتماعی از عوامل مهم و موثر در امنیت ملی است

- یک نظام اجتماعی جامع باید رویکردی ملی داشته باشد و همه شهروندان را تحت پوشش قرار دهد

- رفاه اجتماعی عامل تضمین و حفظ حقوق گروه‌های در معرض آسیب بخصوص زنان،



بازنشستگی، از کارافتادگی، بازماندگان و بیکاری است که کلیه بیمه‌شدگان از آن بهره‌مند خواهند شد و حدود فعالیت‌های آن متناسب با حق بیمه دریافتی و توان مالی سازمان‌های بیمه‌ای و میزان کمک دولت طبق مصوبات هیأت وزیران تعیین می‌شود.

**تبصره -** خدماتی که در قوانین فعلی سازمان‌های بیمه‌ای و صندوق‌های بازنشستگی برای کلیه بیمه‌شدگان تحت پوشش همان سازمان و صندوق تعیین شده است، به عنوان خدمات بیمه همگانی برای مشمولان همان سازمان و صندوق منظور خواهد شد.

ب - بخش مکمل بیمه‌های اجتماعی شامل خدماتی است که «سطح بالاتری از خدمات بیمه همگانی را در بر می‌گیرد و یا خدمات جدیدی را ارائه می‌کند و یا هزینه بیشتری نسبت به تعهد بیمه همگانی تأمین می‌نماید. این بخش از خدمات بیمه‌ای براساس توافق بیمه‌شدگان و بیمه‌گر و با تعهد پرداخت هزینه توسط بیمه شده فعالیت نموده و گسترش می‌یابد.

ج - تأمین صد درصد هزینه بیمه همگانی و مکمل جانبازان و درمان خاص آنها (صدمات ناشی از مجروحیت) بر عهده دولت می‌باشد.

د - نیروی انتظامی به جهت نوع مأموریت خود موظف است:

۱ - با استفاده از بیمه‌های مکمل نیاز خدمات درمانی پرسنل خود را تأمین نماید.

۲ - نسبت به برقراری بیمه مسئولیت برای

مأمورین اجرایی و عملیاتی خود اقدام نماید.

ماده سی‌هشت حمایت‌های بخش غیربیمه‌ای پیشگیری، توان بخشی و حمایتی برای نیازمندان، علاوه بر خدمات ویژه‌ای که در برنامه‌های بخش اشتغال مسکن و آموزش برای گروه‌های نیازمند در نظر گرفته می‌شود، مشتمل بر موارد ذیل است:

۱ - پیشگیری از بروز آسیب‌های اجتماعی و معلولیت‌های جسمی و روانی برای آحاد جامعه.

۲ - پرداخت سرانه بیمه درمان در چارچوب نظام بیمه همگانی خدمات درمانی.

۳ - فراهم آوردن تسهیلات لازم برای نگهداری افرادی که نیاز به سرپرستی یا نگهداری دارند و فراهم آوردن زمینه بازتوانی و خوداتکایی آنان.

۴ - پرداخت مستمری به نیازمندیانی که برای تأمین معاش خود توان کار و فعالیت ندارند، براساس ضوابط مصوب دولت و مجلس شورای اسلامی این افراد از طریق کمیته امداد امام خمینی (ره) مشمول تمام خدمات حمایتی می‌گردند.

ماده چهل قانون برنامه سوم مربوط به ساختار مناسب نظام تأمین اجتماعی است که مقرر می‌دارد:

در اجرای وظایف مذکور در این فصل حداکثر طی مدت شش‌ماه از تاریخ تصویب این قانون بنا به پیشنهاد مشترک سازمان‌های برنامه و بودجه و امور اداری و

استخدامی کشور، ساختار سازمانی مناسب نظام تأمین اجتماعی با رعایت اصول ذیل طراحی و جهت تصویب تقدیم مجلس شورای اسلامی می‌گردد:

الف - رفع تداخل وظایف دستگاه‌های موجود و حذف و ادغام دستگاه‌های موازی.

ب - تأمین پوشش کامل جمعیتی از نظر ابعاد نظام تأمین اجتماعی و جامعیت نظام.

ج - افزایش کارآمدی و اثربخشی سازمان‌های مربوط و کاهش هزینه‌های اداری و پشتیبانی مجموعه نظام تأمین اجتماعی.

د - پیش‌بینی سازوکار لازم برای برقراری هماهنگی بین سازمان‌های ذیربط و اتخاذ سیاست‌های واحد در بالاترین سطح تصمیم‌گیری اجرایی.

ه - استفاده مؤثر از مؤسسات خیریه و امکانات مردمی و وقف و همچنین شوراهای اسلامی شهر و روستا و مراکز دینی و مذهبی و - تأکید بر استفاده از سازمان‌های موجود و پرهیز از ایجاد سازمان‌های جدید.

در طراحی ساختار نظام جامع تأمین اجتماعی باید اهداف و استراتژی و راهکارهای اجرایی آن با توجه به ساختار جمعیت جوان کشور مورد توجه و عنایت طراحان قرار گیرد. موارد زیر از جمله مواردی هستند که به عنوان استراتژی و راهکارهای اجرایی مطرح بوده می‌توانند مورد توجه قرار گیرند.

### ۱- استراتژی‌ها

- پوشش کامل جمعیتی (ارایه پوشش به

۱۸ میلیون نفر جمعیت روستایی و عشایری با توجه به ساختار و نیازهای آنان)

- کفایت خدمات و حمایت‌ها
- مشارکت مردم
- تأمین و ارتقاء امنیت فردی، سیاسی، غذایی، زیست محیطی، اقتصادی، بهداشتی، و ارتباطی
- تأمین نیازهای اولیه و حداقل معیشت برای همه شهروندان
- پیشگیری آسیب‌های اجتماعی و معلولیت‌های جسمی و روانی آحاد جامعه و توانمندسازی آنان بخصوص محرومین
- در اولویت قرار دادن سازوکارهای بیمه‌ای هدفمند ساختن یارانه‌ها
- انجام امور با اتکاء به نیروی انسانی متخصص و ماهر
- تأکید بر مشارکت شهروندان بخصوص خدمت گیرندگان و همچنین مشارکت مؤسسات و سازمان‌های غیردولتی ارایه دهنده خدمات رفاه اجتماعی بخصوص جلب مشارکت فعال و به‌کارگیری مؤثر خیریه‌ها و مراکز غیردولتی
- توسعه بیمه‌های مکمل
- در امور حمایتی، فراهم آوردن زمینه ارایه خدمات اساسی به قشرهای محروم از طریق نظام تأمین اجتماعی
- امور امدادی اصل بر ارایه فوری و کافی خدمات
- کاهش فاصله‌های درآمدی و معیشتی افراد جامعه در برخورداری از فرصت‌های اجتماعی
- تأکید بر گسترش خدمات بیمه‌ای
- ارتقاء سطح زندگی شاغلین و مستمری

بگیران به حداقل قابل قبول

- ایجاد پایگاه اطلاعاتی در زمینه سوابق مشمولان صندوق‌های بیمه‌ای
- رعایت تعادل منابع و مصارف صندوق‌های بیمه‌ای
- تأکید بر بازدهی مناسب ذخایر صندوق‌های بیمه‌ای

## ۲ - راهکارهای اجرایی

- فراهم آوردن مقدمات لازم برای برقراری نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی
- سیاست‌گذاری اجرایی برای هدفمند کردن یارانه‌ها
- تشکیل صندوق برای تحت پوشش بیمه‌ای قراردادن روستاییان با حمایت دولت
- گسترش تأمین اجتماعی به صاحبان حرفه و مشاغل آزاد شهری
- نظارت مستمر بر کلیه فعالیت‌های مربوط به نظام‌های بیمه‌ای، حمایتی و امدادی
- سیاست‌گذاری واحد، نظارت، سازماندهی و هماهنگی در هر دو بخش دولتی و غیردولتی و در همه حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی رفاه اجتماعی
- اصلاح ساختار رفاه اجتماعی با پرهیز از دیوان سالاری پیچیده و هماهنگ‌سازی و رفع تداخل وظایف دستگاه‌های موجود و حذف یا ادغام دستگاه‌های موازی در جهت افزایش بهره‌وری و اثربخشی سازمان‌های مربوط و کاهش هزینه‌های اداری و پشتیبانی مجموعه نظام اجتماعی
- متناسب نمودن حق بیمه‌های دریافتی با خدمات ارایه شده

- افزایش مناسب مستمری‌های پرداختی متناسب با تغییرات شاخص هزینه زندگی
- پرداخت بدهی‌های دولت به سازمان‌های بیمه‌ای و جلوگیری از ایجاد بدهی‌های جدید
- انجام سرمایه‌گذاری‌ها دارای توجیه فنی، اقتصادی و مالی و برخوردار از بازده مطلوب
- استفاده مؤثر از مؤسسات خیریه و امکانات مردمی و وقف و همچنین مراکز دینی و مذهبی
- طراحی برنامه‌های رفاه اجتماعی به صورت غیرمتمرکز و متناسب با ویژگی‌های متنوع فرهنگی و قومی مناطق
- تأکید بر نیازمندیابی فعال در ارایه خدمات
- وضع قوانین ضروری و یکسان‌سازی قوانین و مقررات
- با کمترین تغییر ساختاری از توانایی‌ها و منابع، زیر ساخت‌های موجود در جهت تحقق رفاه و تأمین اجتماعی جامع و فراگیر استفاده شود
- ایجاد سازوکار مناسب برای رفع نابسامانی‌های موجود و تقسیم‌بندی مأموریت‌ها براساس موضوع و تقسیم کار بر طبق گروه‌های هدف
- ایجاد مرکز پژوهش‌های رفاه و تأمین اجتماعی
- با توجه به اهداف استراتژی‌ها و راهکارهای اجرایی که به بخش عمده‌ای از آنها در فوق اشاره شد می‌توان ساختار سازمانی مناسب را برای نظام جامع رفاه اجتماعی طراحی و پیشنهاد کرد .

